

Submit Date: 16 May 2026
 Revise Date: 21 July 2026
 Accept Date: 29 July 2026
 Initial Publish: 30 July 2026
 Final Publish: 22 December 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Criminological Analysis of Factors Influencing Offending by Prisoners During Temporary Release: A Case Study of Prisoners in Guilan Province, 2016–2021

Yahya Alinezhad Balouchi¹, Maryam Abachi^{2*}, Ali Ghorbani¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Cha.C., Islamic Azad University, Chalous, Iran
2. Department of Criminal Law and Criminology, BaA.C., Islamic Azad University, Bandar Anzali, Iran

* Corresponding Author's Email: ma.abachi@iau.ac.ir

ABSTRACT

The present study aimed to identify and analyze the individual, criminal, economic, familial, and organizational factors predicting offending by prisoners in Guilan Province during temporary release between 2016 and 2021. This quantitative study employed an analytical case-control design. The study population consisted of 352 prisoners in Guilan Province, who were examined in two equal groups. The case group comprised 176 prisoners who had committed an offense during temporary release, whereas the control group consisted of 176 prisoners who had returned to prison without committing an offense. Data were collected using a researcher-developed questionnaire and information extracted from judicial and prison records. The validity of the instrument was confirmed through expert review, and its reliability was established using Cronbach's alpha coefficients, which ranged from 0.839 to 0.888 across the different dimensions. The data were analyzed using Welch's t test, the chi-square test, and multivariable logistic regression. The findings indicated that, in the final model, a history of substance addiction (OR = 3.654, 95% CI [2.200, 6.068]) and a prior criminal record (OR = 3.168, 95% CI [1.905, 5.267]) were the most important factors associated with an increased likelihood of offending during temporary release. Conversely, a higher level of education (OR = 0.911, $p = .022$) and a greater number of previous successful temporary releases (OR = 0.841, $p = .018$) significantly reduced the likelihood of offending. Variables such as age, marital status, length of sentence, economic pressure, family problems, association with offenders, tensions within the prison environment, and the conduct of criminal justice personnel did not have a statistically significant effect on offending after the simultaneous control of the other variables. The regression model demonstrated an acceptable goodness of fit ($p = .702$), adequate discriminatory power (AUC = 0.820), and a classification accuracy of 74.1%. Accordingly, it is recommended that the systematic assessment of substance addiction history and prior criminal records, the expansion of educational and vocational training programs, the implementation of gradual and targeted temporary-release arrangements, and the strengthening of post-release supervision and support mechanisms be prioritized in the policymaking of the Prisons Organization and the criminal justice system.

Keywords: temporary release of prisoners, recidivism, etiological criminology, Guilan Province

How to cite: Alinezhad Balouchi, Y., Abachi, M., & Ghorbani, A. (2027). A Criminological Analysis of Factors Influencing Offending by Prisoners During Temporary Release: A Case Study of Prisoners in Guilan Province, 2016–2021. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(5), 1-17.



تاریخ ارسال: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵
 تاریخ بازنگری: ۳۰ تیر ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۷ مرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۸ مرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی جرم شناختی عوامل تاثیرگذار بر ارتکاب جرم زندانیان در زمان مرخصی: مطالعه موردی زندانیان استان گیلان سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰

یحیی علی نژاد بلوچی^۱، مریم عباچی^{۲*}، علی قربانی^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
 ۲. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بندرانزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرانزلی، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: ma.abachi@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تحلیل عوامل فردی، کیفری، اقتصادی، خانوادگی و سازمانی پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم زندانیان استان گیلان در دوران مرخصی طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ است. این پژوهش با رویکرد کمی و با استفاده از طرح تحلیلی مورد-شاهدی انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۳۵۲ نفر از زندانیان استان گیلان بود که در دو گروه مساوی بررسی شدند؛ گروه مورد شامل ۱۷۶ زندانی که در دوران مرخصی مرتکب جرم شده بودند و گروه شاهد شامل ۱۷۶ زندانی که بدون ارتکاب جرم به زندان بازگشته بودند. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و اطلاعات موجود در پرونده‌های قضایی و زندان گردآوری شد. روایی ابزار با نظر متخصصان و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید که مقدار آن برای ابعاد مختلف بین ۰/۸۳۹ تا ۰/۸۸۸ به دست آمد. داده‌ها با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری t، ولج، کای دو و رگرسیون لجستیک چندمتغیره مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مدل نهایی، سابقه اعتیاد ($OR=3.654$ ؛ $CI: 1.905-5.267$ ؛ $p=0.018$)؛ به طور معناداری احتمال ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. همچنین متغیرهایی نظیر سن، وضعیت تأهل، مدت محکومیت، فشار اقتصادی، مشکلات خانوادگی، معاشرت با بزه‌کاران، تنش‌های محیط زندان و نحوه رفتار عوامل نظام عدالت کیفری پس از کنترل هم‌زمان سایر متغیرها اثر معناداری بر وقوع جرم نداشتند. مدل رگرسیون از برازش مطلوب ($p=0.702$)، قدرت تفکیک مناسب ($AUC=0.820$) و دقت طبقه‌بندی ۷۴/۱ درصد برخوردار بود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ارزیابی نظام‌مند سابقه اعتیاد و پیشینه کیفری، توسعه برنامه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی، اجرای مرخصی‌های تدریجی و هدفمند و تقویت سازوکارهای نظارت و حمایت پس از اعطای مرخصی در اولویت سیاست‌گذاری‌های سازمان زندان‌ها و نظام عدالت کیفری قرار گیرد.

کلیدواژگان: مرخصی زندانیان، تکرار جرم، جرم شناسی علت شناختی، استان گیلان

نحوه استناددهی: علی نژاد بلوچی، یحیی، عباچی، مریم، و قربانی، علی. (۱۴۰۶). بررسی جرم شناختی عوامل تاثیرگذار بر ارتکاب جرم زندانیان در زمان مرخصی: مطالعه موردی زندانیان استان گیلان سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۵(۵)، ۱-۱۷.

باعث افول دولت رفاه و ظهور اندیشه نئولیبرالیستی شد (Taheri, 2013). این جریان با رویکردی محافظه کارانه در سیاست گذاری اجتماعی - اقتصادی، جایگاه تازه ای یافت و حتی گاه جرم انگاری فقر طبقات محروم را هدف قرار داد (Arefi, 2019). وفق مطالعات بین المللی، نابرابری اقتصادی، ضعف فرصت های شغلی و فقدان حمایت های اجتماعی از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده افزایش نرخ ارتکاب جرم بوده و در ارتباط مستقیم با افزایش آمار تکرار جرم هستند. مرخصی زندانیان یکی از ظرفیت های قانونی در نظام عدالت کیفری ایران است که با هدف کاهش فشار روانی، حفظ ارتباط زندانیان با خانواده و جامعه و ارزیابی میزان آمادگی آن ها برای بازگشت به زندگی اجتماعی پیش بینی شده است (Yousefi, 2014). این فرصت، اگر به درستی مدیریت شود، می تواند اثرات مثبتی بر بازاجتماعی سازی و کاهش نرخ بازگشت به جرم داشته باشد. با این حال، تجربه نشان داده است که در برخی موارد، اعطای مرخصی با افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم همراه بوده است. فشارهای اقتصادی، کمبود برنامه های حمایتی، فقدان آموزش های فرهنگی و اخلاقی، رفتار نامناسب کارکنان زندان و شرایط نامطلوب مادی و اجتماعی محیط زندان می تواند زمینه جرم را ایجاد کرده و مانع از تحقق هدف اصلاحی مرخصی شود. در همین راستا، عباسی و نعمتی در بررسی زندانیان شهرستان قم نشان دادند که نبود برنامه های بازتوانی شغلی و فقدان فرصت های اشتغال کوتاه مدت از مهم ترین موانع بازگشت موفق زندانیان به زندگی قانونی پس از مرخصی است و این وضعیت زمینه تکرار جرم را افزایش می دهد. همچنین عظیمی و همکاران، با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم، دریافتند متغیرهایی مانند ارتباط با افراد ناهنجار، محل سکونت، احساس بی هنجاری، درآمد پایین، عقاید مذهبی و تنش های خانوادگی با رفتار مجرمانه رابطه معناداری دارند. افزون بر این، صبری در مطالعه ای درباره زندانیان استان تهران نشان داد که در نبود

یک جامعه سالم و ایمن، جامعه ای است که افراد آن احساس امنیت کنند؛ امنیت به معنای آرامش و نبود ترس و نگرانی از خطرات احتمالی ناشی از دیگران است و شامل محافظت در برابر تهدیداتی همچون مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه می شود؛ یعنی هر عاملی که آرامش فرد را مختل کند (Sedigh Sarvestani, 1997). یکی از مهم ترین عواملی که این احساس امنیت را تضعیف کرده و جامعه را دچار آسیب می کند، وقوع جرم و شرایط زمینه ساز آن است. آسیب شناسی اجتماعی، ضمن بررسی بی نظمی ها و آسیب های اجتماعی، به شناسایی علل و انگیزه های بروز آن ها و ارائه راهکارهای پیشگیری و حل مشکلات می پردازد و شرایط ناهنجار اجتماعی را مطالعه می کند؛ چراکه تبهکاری و سایر رفتارهای انحرافی، ریشه در ساختار اجتماعی و روابط انسانی دارند. در این راستا، کج روی اجتماعی به هر نوع رفتاری گفته می شود که با اصول اخلاقی و قواعد عمومی جامعه سازگار نیست و از نظر قانونی، اخلاقی و اجتماعی مورد نکوهش قرار می گیرد و، به طور کلی، رفتار ناهنجار رفتاری است که از هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی تبعیت نمی کند (Rafipour, 2001). از منظر جرم شناسی، کج روی و انحراف اجتماعی محصول تعامل چندین عامل کلان، شامل فشارهای اقتصادی، نابرابری اجتماعی، بی هنجاری فرهنگی و ضعف کارکرد نهادهای اجتماعی است (Hajizadeh, 2015). با وجود تلاش های گسترده بسیاری از کشورها برای دستیابی به عدالت اجتماعی، برخی اندیشمندان، با نقد لیبرالیسم کلاسیک، به ناتوانی آن در تأمین زندگی آبرومند برای همه مردم اشاره کرده اند. اصلاح نظام های مالی و بانکی، افزایش مالیات ها و ارائه خدمات اجتماعی گسترده از جمله راهبردهای متداول آنان برای کاهش نابرابری بوده است (Malek-Mohammadi, 1998). با این حال، وقوع بحران های اقتصادی، افزایش تورم و بیکاری و انتقاداتی از سوی لیبرال های کلاسیک،

برنامه‌های اصلاحی مؤثر، مجازات زندان کارکرد بازدارنده خود را از دست داده و زمینه بازگشت مجدد به جرم را فراهم می‌کند (Sabri, 2023). همچنین فراتحلیل ابراهیمی و همکاران نشان داد عواملی چون سن پایین، نگرش‌های حامی جرم، تحصیلات پایین، کژکارکردی خانواده، اختلالات روانی، سوء مصرف مواد و بیکاری از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در تکرار جرم به شمار می‌آیند (Ebrahimi et al., 2014). مجموع این یافته‌ها نشان می‌دهد که تکرار جرم حاصل تعامل عوامل فردی و اجتماعی است و در صورت نبود حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و اصلاحی، احتمال بازگشت به جرم در دوره‌هایی مانند مرخصی افزایش می‌یابد. در خصوص عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زندانیان در زمان مرخصی در ایران، پژوهش جرم‌شناختی جامعی که هم‌زمان عوامل فردی، کیفری، اقتصادی، خانوادگی و سازمانی را در مقایسه با گروهی از زندانیان بازگشته از مرخصی بدون ارتکاب جرم بررسی کند، محدود است. این خلأ می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های کم‌اثر و ارزیابی ناکافی خطر منجر شود. پژوهش حاضر با طرح تحلیلی مورد - شاهی، ۱۷۶ زندانی مرتکب جرم در زمان مرخصی را با ۱۷۶ زندانی فاقد ارتکاب جرم در همان دوره مقایسه کرد. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و اطلاعات پرونده‌ای گردآوری و با آزمون‌های مقایسه‌ای و رگرسیون لجستیک چندمتغیره در نرم‌افزار SPSS تحلیل شد تا اثر مستقل عوامل مورد بررسی، پس از کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده، برآورد شود.

چارچوب نظری

مرخصی زندانیان ناظر است بر خروج موقت، قانونی و زمان‌بندی‌شده زندانیان از محیط زندان که پیش از پایان کامل دوره محکومیت صورت می‌گیرد. این نهاد ارفاقی، با هدف کاهش اثرات مخرب حبس و جلوگیری از نهادینه‌شدن فرد در محیط زندان طراحی شده است. در نظام‌های حقوقی مدرن، مرخصی صرفاً یک امتیاز رفاهی نیست، بلکه بخشی از حقوق بنیادین مشروط در

دوران گذار از حبس به آزادی، جهت حفظ کرامت انسانی زندانیان و برقراری ارتباط مداوم آنان با دنیای بیرون، محسوب می‌شود (Van Zyl Smit & Snacken, 2008). در ایران، مفهوم مرخصی زندانیان ابتدا در آیین‌نامه‌های سازمان زندان‌ها پس از انقلاب اسلامی مطرح شد و در قوانین جدیدتر نیز گنجانده شد. طبق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۱۳، امکان مرخصی با مجوز قاضی اجرای احکام اعطا شده و بازگشت به زندان شرط اصلی آن است. در صورتی که زندانی پس از اتمام مرخصی به زندان بازنگردد، علاوه بر مجازات قانونی، تا سه ماه از دریافت مجدد مرخصی محروم می‌شود. تمامی محکومان و متهمان از این حق برخوردارند، اما برخی به دلیل عدم توانایی در تأمین وثیقه یا عدم درخواست، از آن بهره‌مند نمی‌شوند (Yousefi, 2014). راستای ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۲۰۲۱، قواعدی را در این خصوص با رویکردی حقوق‌بشری و اصلاح‌مدارانه و در قالب تسهیلات هدفمند وضع کرده است. همچنین سند تحول قضایی ۲۰۲۴ که نقشه راه کلان قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها را ترسیم می‌کند، نگاهی راهبردی، هوشمند و مبتنی بر دو رویکرد مدیریت خطر و اصلاح مجرمان را به‌صورت توأمان در خصوص مرخصی زندانیان در نظر دارد. نهاد مرخصی نه‌تنها می‌تواند تحمل حبس را برای زندانیان آسان‌تر کند و امید به کاهش یا تغییر محکومیت را افزایش دهد، بلکه به کاهش فشار بر سازمان زندان‌ها نیز کمک می‌کند. برای کاهش تکرار جرم، غلبه جنبه‌های بازپرورانه و اصلاحی بر رویکردهای صرفاً تنبیهی ضروری است (Gholami, 2023). (Petersilia, 2003). در این راستا، قاضی بر اساس سوابق و میزان اصلاح‌پذیری مجرم، برای اعطای امتیازاتی مانند مرخصی تصمیم‌گیری می‌کند (H. Zare, 2020). از منظر جرم‌شناسی بازپروری، باید توجه داشت که ممانعت از اعطای مرخصی به دلیل ترس از جرایم احتمالی کوتاه‌مدت، می‌تواند پیامدهای مخرب

بلندمدتی داشته باشد. برخی تحقیقات خارجی نشان می‌دهد زندانیانی که پیش از پایان قطعی محکومیت خود، مرخصی‌های تدریجی و تحت نظارت دریافت می‌کنند، به دلیل حفظ پیوندهای خانوادگی و شغلی، با احتمال بسیار کمتری پس از آزادی نهایی مرتکب تکرار جرم می‌شوند. بنابراین، ارتکاب جرم در زمان مرخصی، گرچه یک چالش امنیتی کوتاه‌مدت است، اما وقوع نادر آن نباید مانع از اجرای برنامه‌هایی شود که در بلندمدت، امنیت جامعه را از طریق کاهش نرخ تکرار جرم تضمین می‌کنند.

تکرار جرم یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در نظام‌های عدالت کیفری است. این پدیده، فارغ از مفهوم و ابعاد خاص، رخدادهای متعددی را بیان می‌کند که همه آن‌ها از معیارهای حقوقی تبعیت نمی‌کنند (Abbaci, 2022a). از جمله این رخدادهای می‌توان به ارتکاب دوباره جرم زندانیان در زمان محکومیت و حین مرخصی اشاره کرد. اما باید در نظر داشت که منظور از جرم، چه در زمان مرخصی و چه پس از سپری‌شدن محکومیت، تعریف حقوقی آن است؛ همچنان‌که به باور مانهایم، جرم پیش از هر چیز رفتاری است که قانون آن را غیرقانونی و مستوجب مجازات می‌داند.

در حقوق کیفری، ارتکاب مجدد جرم در قالب اصطلاح تکرار جرم به حالتی اطلاق می‌شود که فرد پس از محکومیت قطعی به دلیل ارتکاب جرم، دوباره مرتکب جرم دیگری شود و معمولاً موجب تشدید واکنش کیفری می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار ارتکاب مجدد جرم را نشانه‌ای از خطرناکی بیشتر بزهکار تلقی می‌کند (Gholami, 2023). در این چارچوب، تکرار جرم علاوه بر آثار حقوقی، شاخص مهمی برای سنجش میزان کارآمدی سیاست‌های کیفری و برنامه‌های اصلاح و تربیت نیز تلقی می‌شود؛ زیرا ناکارآمدی این برنامه‌ها خود را در قالب ارتکاب دوباره جرم نشان می‌دهد (Gholami, 2011). در مقابل، در رویکرد جرم‌شناختی، تکرار جرم یا ارتکاب مجدد جرم به معیار سپری‌کردن محکومیت رسمی محدود نمی‌شود، بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و رفتاری

مورد مطالعه قرار می‌گیرد که نوعی بازگشت به جرم است. جرم‌شناسان این پدیده را حاصل تعامل عواملی مانند مشکلات اقتصادی، ضعف حمایت اجتماعی، برچسب‌زنی اجتماعی و ناکارآمدی برنامه‌های اصلاحی می‌دانند (Norouzi, 2019). از سوی دیگر، باید توجه داشت که فرد در زمان ارتکاب جرم در حین مرخصی، از نظر قانونی زندانی محسوب می‌شود و نظام عدالت کیفری، به‌طور مستقیم و بدون نیاز به دادرسی برای جرم جدید، می‌تواند فرد را به زندان بازگرداند. درحالی‌که در تکرار جرم در مفهوم حقوقی، فرد شهروند آزاد است؛ چون محکومیت قبلی پایان یافته و نظام عدالت کیفری برای برخورد با او باید از ابتدا فرایند دادرسی را آغاز کند. همچنین درحالی‌که حقوق کیفری بیشتر بر پیامدهای قانونی تکرار جرم تمرکز دارد، جرم‌شناسی در پی شناسایی علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن است؛ از منظر جرم‌شناسی، ارتکاب جرم در دوره کوتاه مرخصی، ناشی از تلاقی آزادی ناگهانی، ضعف کنترل‌های رسمی و مواجهه مجدد با عوامل جرم‌زای محیطی است. ارتکاب جرم در ایام مرخصی صرفاً سوءاستفاده از یک امتیاز قانونی نیست، بلکه واکنش فرد به تغییر ناگهانی محیط، بازگشت به کانون‌های جرم‌زا و فقدان شبکه‌های حمایتی در جامعه و البته ناموفق‌بودن برنامه‌های اصلاحی زندان است که فرد را به تکرار جرم سوق می‌دهد؛ هرچند که این تکرار جرم در قالب مفهوم جرم‌شناختی و نه حقوقی قرار می‌گیرد.

به‌هرحال، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های سیاست‌گذاران و افکار عمومی، خطر ارتکاب دوباره جرم در زمان مرخصی زندانیان است. بررسی ادبیات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که میان درک عمومی از این خطر و واقعیت‌های آماری، فاصله معناداری وجود دارد. برخی از مطالعات تجربی خارجی نشان می‌دهند که برخلاف پوشش‌های رسانه‌ای که اغلب بر موارد استثنایی تمرکز دارند، نرخ ارتکاب جرایم جدید توسط زندانیان در زمان مرخصی پایین است (LeClair & Guarino-Ghezzi, 1991) و بخش عمده‌ای

مرتبط با تخلفات فنی و انضباطی هستند و نه جرایم کیفری جدید. این تخلفات غالباً شامل مواردی نظیر تأخیر در بازگشت به زندان یا نقض محدودیت‌های تردد است که منجر به لغو مرخصی وی می‌گردد (Cheliotis, 2008).

جرم‌شناسی، در چارچوب مفهومی خود که مطالعه علمی پدیده جنایی است، در سیر تحول خود از تأملات فلسفی و مکتب کلاسیک مبتنی بر اراده آزاد، با تأکید بر اینکه رفتار مجرمانه صرفاً به اراده فردی تقلیل‌پذیر نیست و حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی است، به رویکردهای علمی و تجربی متأثر از آموزه‌های مکتب اثباتی یا تحقیقی گذر کرد (Najafi Abrandabadi & Hashem Beigi, 2011).

بدین‌سان، جرم‌شناسی علت‌شناختی مکتب تحقیقی، جرم را پدیده‌ای ناشی از تعامل عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند و تبیین چندعاملی آن را ضروری می‌شمارد و تحلیل بزهکاری را بدون توجه به پیوند این عوامل ناقص تلقی می‌کند. در این سیر، روش‌شناسی جرم‌شناسی علت‌شناختی که در طبقه‌بندی جرم‌شناسی سنتی (تحقیقی/متعارف) قرار می‌گیرد (Shiri, 2023)، از این جهت که علت جرم را در فرد، خانواده، مدرسه، محیط پیرامونی و... جست‌وجو می‌کند، توسط جرم‌شناسی‌های انتقادی به چالش کشیده شده است. در واقع، جرم‌شناسی‌های انتقادی، جرم و مجرم را محصول ساختارها و ارکان نظام عدالت کیفری، یعنی قانون‌گذار، پلیس، دادسراها، دادگاه‌ها، سازمان زندان‌ها و... می‌دانند. از جمله آن‌ها می‌توان به جرم‌شناسی محکومان که به تعبیر برخی متخصصان، جرم‌شناسی زندان هم نامیده می‌شود، اشاره کرد (Najafi Abrandabadi, 2013).

ارتکاب دوباره جرم نیز همانند ارتکاب اولیه آن، پدیده‌ای چندعاملی و متأثر از فشارهای اقتصادی، شرایط محیطی و ویژگی‌های فردی است و رویکردهای جامعه‌شناختی بر نقش

ساختارهای اجتماعی در آن تأکید دارند (Abbaci, 2022a). در خصوص ارتکاب جرم زندانیان در زمان مرخصی زندانیان باید اشاره داشت که عواملی مانند فشارهای اقتصادی و ناکارآمدی برنامه‌های بازتوانی می‌توانند خطر بازگشت به جرم را تشدید کنند (M. Zare, 2020)، (Levin, 2012). همچنین ویژگی‌های شخصیتی، شرایط خانوادگی و تجارب آسیب‌زای زندانیان در استمرار بزهکاری نقش کلیدی دارند. علاوه بر این، ازدحام و تنش‌های محیط زندان می‌تواند زمینه بازتولید رفتار مجرمانه را افزایش دهد (Khakbaz et al., 2017). در نهایت، تعامل عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، تعیین‌کننده اصلی در احتمال ارتکاب دوباره جرم در زمان مرخصی زندانیان است.

تحلیل رفتار زندانیان در زمان مرخصی نیازمند اتکا به نظریه‌های جرم‌شناختی است که با تحلیل عوامل بروز رفتار مجرمانه، تعامل ساختارهای اجتماعی، ویژگی‌های فردی و فرایندهای یادگیری را بررسی می‌کنند (Nazifi, 2022). نظریه معاشرت افتراقی ساترلند یکی از مهم‌ترین تبیین‌های جرم‌شناختی ارتکاب جرم در دوران مرخصی است؛ چراکه زندانیان معمولاً به همان محیط‌ها و شبکه‌های دوستی بزهکار پیشین بازمی‌گردند و این حضور موقت، فشار گروهی برای مشارکت در فعالیت‌های غیرقانونی را تقویت می‌کند (Norouzi, 2019). از سوی دیگر، نظریه فشار رابرت مرتن، شکاف میان اهداف فرهنگی و ابزارهای مشروع را عامل گرایش به جرم و ارتکاب مجدد آن می‌داند (Khakbaz et al., 2017). همچنین انتقال ناگهانی از فضای زندان به جامعه آزاد، با ایجاد شوک‌گذار و نیز ناهماهنگی در شرایط محدودیت فرصت‌ها، نابرابری‌ها، بحران‌های مالی، طرد خانوادگی و فشارهای اقتصادی، همراه با ناتوانی در حل قانونی این مسائل، فرد را به ارتکاب دوباره جرم سوق می‌دهد (Adabi, 2022) (Hajidehabadi, 2020). نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلسون نیز وقوع جرم را نیازمند سه عامل هم‌زمان، یعنی مجرم بالنگیزه، آماج مناسب و

کیفری است. داده‌های فردی و کیفری از اطلاعات پرونده‌ای و سازه‌های اقتصادی، خانوادگی و سازمانی با پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. مقیاس‌های فشار اقتصادی، مشکلات خانوادگی، معاشرت با افراد بزهکار و تنش محیط زندان، هرکدام چهار گویه با دامنه نظری ۴ تا ۲۰ در نظر گرفته شدند. مقیاس رفتار افراد دخیل در نظام عدالت کیفری نیز از چهار گویه سه‌درجه‌ای با دامنه نظری ۴ تا ۱۲ تشکیل شده است.

پیش از تحلیل، داده‌ها از نظر مقادیر مفقود، مقادیر خارج از دامنه، خطاهای ورود، ناسازگاری منطقی و داده‌های پرت بررسی شدند. داده مفقودی مشاهده نشد و دامنه متغیرها با شیوه نمره‌گذاری ابرار مطابقت داشت. پایایی سازه‌های چندگویه‌ای با آلفای کرونباخ ارزیابی شد. ضرایب به‌دست‌آمده بین ۰/۸۳۹ تا ۰/۸۸۸ بود که انسجام درونی مطلوب مقیاس‌ها را نشان می‌دهد.

روش تحلیل آماری

متغیرهای کمی با میانگین و انحراف معیار و متغیرهای طبقه‌ای با فراوانی و درصد توصیف شده‌اند. شکل توزیع متغیرهای کمی با چولگی و کشیدگی بررسی شده و برای مقایسه میانگین دو گروه، از آزمون t مستقل ولج و برای بررسی ارتباط متغیرهای طبقه‌ای با پیامد، از آزمون کای‌دو استفاده شده است. سپس همه متغیرهای فردی، کیفری، اقتصادی، خانوادگی و سازمانی به‌طور هم‌زمان وارد رگرسیون لجستیک چندمتغیره شده و نتایج با ضریب B ، خطای استاندارد، آماره والد، نسبت شانس و فاصله اطمینان ۹۵ درصد گزارش گردید؛ استفاده از رگرسیون لجستیک به‌عنوان یکی از روش‌های معتبر در مدل‌سازی و پیش‌بینی متغیرهای دودویی در مطالعات داده‌کاوی و یادگیری ماشین نیز در پژوهش‌های پیشین مورد تأیید قرار گرفته است (Khorsand et al., 2019). هم‌خطی با عامل تورم واریانس، برازش و عملکرد مدل با آزمون هاسمر - لمشو، شبه‌ضریب تعیین ناگلکرک، سطح زیر منحنی ROC، حساسیت، ویژگی و دقت طبقه‌بندی سنجیده شد؛ این

نبود مراقب، می‌داند و از آنجاکه اعطای مرخصی بدون برنامه‌ریزی نظارتی، موقتاً مراقبان رسمی را حذف می‌کند و در صورت عدم نظارت جایگزین، مانند پابندهای الکترونیکی، احتمال جرم ارتكابی افزایش می‌یابد (Cheliotis, 2008). همچنین، طبق نظریه یادگیری اجتماعی باندورا و آکرز، رفتار مجرمانه از طریق مشاهده و تعامل با خرده‌فرهنگ‌های بزهکار آموخته می‌شود (Jahanbakhsh & Torki Harchagani, 2016). بر اساس نظریه برچسب‌زنی بکر، طرد و برچسب‌زنی، فرصت‌های مشروع را از مجرمان سابقه‌دار سلب کرده و آنان را به انحراف ثانویه و ارتكاب دوباره جرم سوق می‌دهد (Abbasi & Nemati, 2015). از سوی دیگر، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مکی، ضعف انسجام محلی، فقر و کمبود نظارت غیررسمی و نیز فقدان حمایت نهادی و ضعف برنامه‌های پس از خروج از زندان را از عوامل تسریع بازگشت به جرم معرفی می‌کند (Mousavi, 2018).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، مطالعه‌ای تحلیلی با طرح مورد - شاهدهی است. جامعه پژوهش شامل زندانیانی است که طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ در استان گیلان از مرخصی استفاده کرده‌اند. نمونه شامل ۳۵۲ نفر است: ۱۷۶ زندانی که هنگام مرخصی مرتکب جرم شده بودند، در گروه مورد و ۱۷۶ زندانی که بدون ارتكاب جرم به زندان بازگشته بودند، در گروه کنترل قرار گرفتند. متغیر وابسته، ارتكاب جرم در زمان مرخصی است که برای گروه مورد با کد یک و برای گروه کنترل با کد صفر ثبت شده است.

متغیرهای مستقل شامل سن، سال‌های تحصیل، وضعیت تأهل، سابقه کیفری، سابقه اعتیاد، مدت محکومیت، تعداد دفعات مرخصی، فشار اقتصادی، مشکلات خانوادگی، معاشرت با افراد بزهکار، تنش محیط زندان و رفتار افراد دخیل در نظام عدالت

شاخص‌ها از معیارهای استاندارد ارزیابی عملکرد مدل‌های پیش‌بینی و طبقه‌بندی بوده و در مطالعات مبتنی بر سیستم‌های هوشمند نیز به‌طور گسترده گزارش می‌شوند (Asadzadeh et al., 2018). سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شده و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱. توزیع گروه سنی در گروه‌های مورد و کنترل

گروه سنی	گروه مورد	گروه کنترل	مجموع
۱۹ تا ۲۹ سال	۴۳	۴۸	۹۱
۳۰ تا ۳۹ سال	۸۱	۶۹	۱۵۰
۴۰ تا ۴۹ سال	۴۰	۵۰	۹۰
۵۰ سال و بیشتر	۱۲	۹	۲۱
مجموع	۱۷۶	۱۷۶	۳۵۲

جدول ۲. توزیع سطح تحصیلات در گروه‌های مورد و کنترل

سطح تحصیلات	گروه مورد	گروه کنترل	مجموع
ابتدایی و کمتر	۲۷	۱۵	۴۲
راهنمایی	۵۸	۴۵	۱۰۳
دیپلم	۷۴	۹۲	۱۶۶
دانشگاهی	۱۷	۲۴	۴۱
مجموع	۱۷۶	۱۷۶	۳۵۲

جدول ۳. پایایی مقیاس‌های پژوهش

مقیاس	تعداد گویه	دامنه نظری	آلفای کرونباخ
فشار اقتصادی	۴	۴ تا ۲۰	۰/۸۶۹
مشکلات خانوادگی	۴	۴ تا ۲۰	۰/۸۶۹
معاشرت با افراد بزه‌کار	۴	۴ تا ۲۰	۰/۸۷۰
تنش محیط زندان	۴	۴ تا ۲۰	۰/۸۸۸
رفتار افراد دخیل در نظام عدالت	۴	۴ تا ۱۲	۰/۸۳۹

ضرایب آلفای کرونباخ همه مقیاس‌ها بیش از ۰/۸۰ بوده است؛ بنابراین، پایایی ابزارها مطلوب ارزیابی می‌شود. دامنه نظری مقیاس رفتار نظام عدالت ۴ تا ۱۲ است و میانگین‌های مشاهده‌شده نیز در همین دامنه قرار دارند.

ب) آمار توصیفی و مقایسه دو گروه

الف) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پایایی
در مجموع، ۳۵۲ زندانی، شامل ۱۷۶ نفر در گروه مورد و ۱۷۶ نفر در گروه کنترل، تحلیل شده‌اند. بیشترین فراوانی سنی به گروه ۳۰ تا ۳۹ سال، با ۴۲/۶ درصد، اختصاص دارد. از نظر تحصیلات نیز بیشترین فراوانی مربوط به سطح دیپلم، با ۴۷/۲ درصد، است.

میانگین سن در گروه مورد ۳۵/۲۵ و در گروه کنترل ۳۵/۵۷ سال است. میانگین سال‌های تحصیل و تعداد دفعات مرخصی در گروه مورد کمتر و میانگین مدت محکومیت، فشار اقتصادی، مشکلات خانوادگی، معاشرت با افراد بزه‌کار، تنش محیط زندان و رفتار نظام عدالت در این گروه بیشتر است.

جدول ۴. آمار توصیفی متغیرهای کمی به تفکیک گروه

متغیر	میانگین گروه مورد	انحراف معیار	میانگین گروه کنترل	انحراف معیار
سن	۳۵/۲۵	۸/۸۲	۳۵/۵۷	۸/۴۹
سال‌های تحصیل	۸/۶۳	۳/۳۹	۹/۵۱	۳/۲۴
مدت محکومیت، ماه	۴۴/۴۹	۲۰/۳۹	۳۹/۲۳	۱۹/۰۲
تعداد دفعات مرخصی	۳/۸۷	۱/۸۵	۴/۳۵	۱/۹۶
فشار اقتصادی	۳/۴۴	۰/۸۳	۳/۰۶	۰/۸۴
مشکلات خانوادگی	۳/۳۱	۰/۸۴	۲/۹۹	۰/۸۴
معاشرت با افراد بزهکار	۳/۴۲	۰/۸۴	۳/۰۰	۰/۸۳
تنش محیط زندان	۳/۳۵	۰/۸۸	۲/۹۱	۰/۸۵
رفتار نظام عدالت	۱۱/۱۲	۱/۳۵	۱۰/۴۵	۱/۶۴

جدول ۵. نتایج آزمون t مستقل ولج برای مقایسه دو گروه

متغیر	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
سن	حدود ۰/۳۴	بیشتر از ۰/۰۵	غیرمعنادار
سال‌های تحصیل	حدود ۲/۴۹	کمتر از ۰/۰۵	معنادار
مدت محکومیت	حدود ۲/۵۰	کمتر از ۰/۰۵	معنادار
تعداد دفعات مرخصی	حدود ۲/۳۸	کمتر از ۰/۰۵	معنادار
فشار اقتصادی	حدود ۴/۲۵	کمتر از ۰/۰۰۱	معنادار
مشکلات خانوادگی	حدود ۳/۵۰	کمتر از ۰/۰۱	معنادار
معاشرت با افراد بزهکار	حدود ۴/۶۵	کمتر از ۰/۰۰۱	معنادار
تنش محیط زندان	حدود ۴/۷۰	کمتر از ۰/۰۰۱	معنادار
رفتار نظام عدالت	حدود ۴/۱۸	کمتر از ۰/۰۰۱	معنادار

داد؛ همچنین، ارتباط وضعیت تأهل با پیامد در سطح ۰/۰۵ معنادار نبود.

پ) توزیع نوع جرم در گروه مورد

در میان ۱۷۶ نفر گروه مورد، جرایم مرتبط با مواد مخدر، با ۶۴/۲ درصد، بیشترین فراوانی را داشتند؛ پس از آن، سرقت، جرایم خشونت‌آمیز، سایر جرایم و جرایم مالی قرار گرفته‌اند.

نتایج آزمون t ولج نشان داد تفاوت دو گروه از نظر سن معنادار نیست، اما تفاوت میانگین سال‌های تحصیل، مدت محکومیت، تعداد دفعات مرخصی، فشار اقتصادی، مشکلات خانوادگی، معاشرت با افراد بزهکار، تنش محیط زندان و رفتار نظام عدالت از نظر آماری معنادار است. آزمون کای‌دو نیز ارتباط معنادار سابقه کیفری و سابقه اعتیاد را با ارتکاب جرم در زمان مرخصی نشان

جدول ۶. توزیع نوع جرم ارتكابی در زمان مرخصی در گروه مورد

نوع جرم	درصد تقریبی
مواد مخدر	۶۴/۲
سرقت	۱۵/۰
جرایم خشونت‌آمیز	۸/۵
جرایم مالی	۵/۵
سایر جرایم	۶/۸
مجموع	۱۰۰

ت) رگرسیون لجستیک چندمتغیره

تورم واریانس نشان داد VIF همه متغیرهای مستقل کمتر از ۵

است و مشکل جدی هم خطی چندگانه وجود ندارد.

برای تعیین پیش‌بینی‌کننده‌های مستقل ارتکاب جرم، تمام

متغیرهای مطالعه به‌طور هم‌زمان وارد مدل شده‌اند. بررسی عامل

جدول ۷. نتایج رگرسیون لجستیک چندمتغیره عوامل مرتبط با ارتکاب جرم در زمان مرخصی

متغیر	B	خطای استاندارد	والد	p	نسبت شانس	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
سن	۰/۰۰۲	۰/۰۱۵	۰/۰۱۴	۰/۹۰۷	۱/۰۰۲	۰/۹۷۳ تا ۱/۰۳۲
سال‌های تحصیل	-۰/۰۹۴	۰/۰۴۱	۵/۲۵۳	۰/۰۲۲	۰/۹۱۱	۰/۸۴۱ تا ۰/۹۸۷
وضعیت تأهل	-۰/۴۶۲	۰/۲۶۵	۳/۰۲۹	۰/۰۸۲	۰/۶۳۰	۰/۳۷۵ تا ۱/۰۶۰
سابقه کیفری	۱/۱۵۳	۰/۲۵۹	۱۹/۷۶۲	کمتر از ۰/۰۰۱	۳/۱۶۸	۱/۹۰۵ تا ۵/۲۶۷
سابقه اعتیاد	۱/۲۹۶	۰/۲۵۹	۲۵/۰۷۶	کمتر از ۰/۰۰۱	۳/۶۵۴	۲/۲۰۰ تا ۶/۰۶۸
مدت محکومیت	۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	۳/۴۸۶	۰/۰۶۲	۱/۰۱۳	۰/۹۹۹ تا ۱/۰۲۷
تعداد مرخصی	-۰/۱۷۳	۰/۰۷۳	۵/۶۳۵	۰/۰۱۸	۰/۸۴۱	۰/۷۲۹ تا ۰/۹۷۰
فشار اقتصادی	۰/۲۸۴	۰/۱۶۶	۲/۹۳۱	۰/۰۸۷	۱/۳۲۹	۰/۹۶۰ تا ۱/۸۴۱
مشکلات خانوادگی	۰/۱۰۶	۰/۱۷۲	۰/۳۸۰	۰/۵۳۸	۱/۱۱۲	۰/۷۹۴ تا ۱/۵۵۷
معاشرت با بزه‌کاران	۰/۲۷۰	۰/۱۶۹	۲/۵۶۲	۰/۱۰۹	۱/۳۱۰	۰/۹۴۱ تا ۱/۸۲۳
تنش محیط زندان	۰/۲۸۵	۰/۱۶۱	۳/۱۲۲	۰/۰۷۷	۱/۳۳۰	۰/۹۶۹ تا ۱/۸۲۵
رفتار نظام عدالت	۰/۱۴۰	۰/۰۸۱	۲/۹۸۲	۰/۰۸۴	۱/۱۵۰	۰/۹۸۱ تا ۱/۳۴۸

پس از کنترل هم‌زمان سایر متغیرها، سابقه اعتیاد، سابقه کیفری،

سال‌های تحصیل و تعداد دفعات مرخصی پیش‌بینی‌کننده‌های

معنادار بودند. افراد دارای سابقه اعتیاد ۳/۶۵۴ برابر و افراد دارای

سابقه کیفری ۳/۱۶۸ برابر شانس بیشتری برای ارتکاب جرم

داشتند. با هر سال افزایش تحصیلات، شانس پیامد حدود ۸/۹

درصد و با هر نوبت افزایش مرخصی، حدود ۱۵/۹ درصد کاهش

یافت. سن، وضعیت تأهل، مدت محکومیت، فشار اقتصادی،

مشکلات خانوادگی، معاشرت با بزه‌کاران، تنش محیط زندان و

رفتار نظام عدالت در مدل تعدیل‌شده معنادار نبودند؛ ازاین‌رو، این

متغیرها نباید به‌عنوان عوامل مستقل و قطعی معرفی شوند.

ج) برازش و قدرت پیش‌بینی مدل

جدول ۸. شاخص‌های برازش و عملکرد مدل رگرسیون لجستیک

شاخص	مقدار
حجم نمونه	۳۵۲
شبه‌ضریب تعیین ناگلکرک	۰/۳۸۲
آماره هاسمر - لمشو	۵/۵۱۲
سطح معناداری هاسمر - لمشو	۰/۷۰۲
سطح زیر منحنی ROC	۰/۸۲۰
حساسیت	۰/۷۲۷
ویژگی	۰/۷۵۶
دقت طبقه‌بندی	۰/۷۴۱

آزمون هاسمر - لمشو معنادار نبوده و برازش قابل‌قبول مدل را

نشان می‌دهد. شبه‌ضریب تعیین ناگلکرک برابر ۰/۳۸۲ و سطح زیر

از سوی دیگر، تحلیل یافته‌های تحقیق در پرتو مقررات آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۲۰۲۱، نشان می‌دهد که این مقررات ظرفیت‌های قابل توجهی برای کاهش عوامل جرم‌زا در میان زندانیان پیش‌بینی کرده است. آیین‌نامه مذکور بر توسعه برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، حرفه‌آموزی و اشتغال زندانیان، حفظ ارتباط زندانی با خانواده از طریق مرخصی و همچنین حمایت‌های پس از آزادی تأکید دارد. با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر نقش عواملی مانند مشکلات اقتصادی، ضعف حمایت اجتماعی و تأثیر محیط‌های جرم‌زا را در ارتکاب جرم در زمان مرخصی برجسته می‌کند، می‌توان گفت اجرای مؤثر این برنامه‌ها می‌تواند تا حد زیادی در کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم در دوران مرخصی مؤثر باشد.

همچنین، در سند تحول و تعالی قوه قضائیه ۲۰۲۴، رویکردی مبتنی بر مدیریت خطر و اصلاح مجرمان مورد توجه قرار گرفته است و راهکارهایی مانند تشکیل پرونده شخصیت متهم، توسعه نظام طبقه‌بندی زندانیان، گسترش نهادهای ارفاقی، تقویت نظام اشتغال زندانیان و ایجاد سازوکارهای حمایت و مراقبت پس از خروج از زندان پیش‌بینی شده است. در پرتو یافته‌های این پژوهش، چنین سیاست‌هایی می‌تواند نقش مهمی در کاهش عوامل زمینه‌ساز ارتکاب جرم در زمان مرخصی داشته باشد؛ زیرا بسیاری از عوامل شناسایی شده در این تحقیق، از جمله مشکلات اقتصادی، ضعف حمایت اجتماعی و بازگشت به محیط‌های جرم‌زا، از طریق اجرای مؤثر این برنامه‌ها قابل کنترل و مدیریت است.

در مجموع، یافته‌ها ضرورت گذار از تصمیم‌گیری مبتنی بر یک عامل منفرد به ارزیابی چندبعدی خطر را نشان می‌دهد. سابقه اعتیاد و کیفری باید در کنار ظرفیت‌های محافظتی مانند تحصیلات و سابقه مرخصی موفق بررسی شود. توان تفکیک مناسب مدل نشان می‌دهد ترکیب این اطلاعات برای غربالگری اولیه سودمند است، اما دقت ۷۴/۱ درصدی آن برای تصمیم‌گیری انفرادی قطعی کافی

منحنی ROC برابر ۰/۸۲۰ است. مدل ۷۴/۱ درصد مشاهدات را به درستی طبقه‌بندی کرده است؛ حساسیت آن ۷۲/۷ درصد و ویژگی آن ۷۵/۶ درصد است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پس از کنترل هم‌زمان عوامل فردی، کیفری، اقتصادی، خانوادگی و سازمانی، سابقه اعتیاد و سابقه کیفری مهم‌ترین عوامل افزایش‌دهنده شانس ارتکاب جرم در زمان مرخصی هستند. در مقابل، تحصیلات بیشتر و تعداد بیشتر مرخصی با کاهش شانس ارتکاب جرم همراه بوده است. اگرچه فشار اقتصادی، مشکلات خانوادگی، معاشرت با بزه‌کاران، تنش محیط زندان و رفتار نظام عدالت در مقایسه‌های خام میان دو گروه تفاوت معنادار دارند، اما اثر مستقل آن‌ها در مدل چندمتغیره به سطح معناداری نرسیده است. این تمایز میان یافته‌های دومتغیره و تعدیل‌شده نشان می‌دهد که بخشی از روابط خام می‌تواند ناشی از هم‌پوشانی با سابقه اعتیاد، سابقه کیفری، تحصیلات و تجربه مرخصی باشد و نباید به صورت رابطه علی تفسیر شود. نقش برجسته سابقه اعتیاد و سابقه کیفری با مطالعاتی همسو است که سوء مصرف مواد و پیشینه بزهکاری را از عوامل پایدار تکرار جرم می‌دانند. اثر محافظتی تحصیلات نیز می‌تواند از مسیر افزایش مهارت، فرصت‌های مشروع و توان حل مسئله تبیین شود. همچنین ارتباط معکوس تعداد دفعات مرخصی با پیامد، احتمالاً نشان‌دهنده انتخاب تدریجی افراد کم‌خطرتر برای مرخصی‌های مکرر و نیز اثر تجربه موفق بازگشت بدون تخلف است؛ بنابراین، این یافته به تنهایی اثبات‌کننده اثر علی مرخصی نیست و باید با توجه به احتمال سوگیری انتخاب تفسیر شود. این نتایج با تأکید پژوهش‌های پیشین بر تعامل عوامل فردی و ساختاری در بازگشت به جرم سازگار است (Norouzi, 2019; Shiri, 2023; M. Zare, 2020).

ارزیابی خطر با استفاده از سابقه کیفری، سطح تحصیلات و سابقه مرخصی موفق، در کنار قضاوت حرفه‌ای، انجام و برنامه‌های آموزشی و مرخصی تدریجی و نظارت‌شده توسعه یابد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study examines the criminological factors associated with offending by prisoners during temporary release in Guilan Province between 2016 and 2021. Temporary release constitutes an important correctional mechanism within contemporary criminal justice systems because it can reduce the harmful psychological and social effects of imprisonment, preserve prisoners' family and community ties, and facilitate their gradual reintegration into lawful social life. From a criminological perspective, however, the effectiveness of temporary release depends on the extent to which individual, criminal, economic, familial, and organizational risk factors are identified and managed before and during the release period. Social security is closely connected to citizens' perception that they are protected from threats, disorder, deprivation, and victimization, while crime and recidivism undermine this sense of collective stability (Sedigh Sarvestani, 1997). Deviant and criminal behavior cannot be understood solely as the product of individual choice; rather, it reflects the interaction of social disorganization, economic pressure, cultural anomie, weakened institutional control, and disrupted social relationships (Hajizadeh, 2015; Rafipour, 2001). Economic inequality, unemployment, poverty, and the erosion of welfare-oriented policies may further intensify the structural conditions associated with criminal behavior and repeated offending (Arefi, 2019; Malek-

نیست و باید همراه با ارزیابی حرفه‌ای و رعایت حقوق زندانی به کار رود. محدود بودن مطالعه به یک استان، ماهیت مشاهده‌ای طرح و احتمال باقی ماندن مخدوش‌گری اندازه‌گیری نشده، تعمیم و استنباط علی را محدود می‌کند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود:

غربالگری و درمان تداوم‌دار اختلال مصرف مواد پیش از اعطای مرخصی و در طول آن تقویت شود؛

Mohammadi, 1998; Taheri, 2013). Within this context, prisoner temporary release is intended to function as a rehabilitative and reintegrative measure rather than merely as a welfare privilege. When appropriately administered, it can support resocialization, maintain legitimate family bonds, and reduce the likelihood of post-release recidivism; nevertheless, where supervision, social support, employment opportunities, and treatment services are insufficient, temporary release may expose prisoners to criminogenic environments and increase the risk of renewed offending (Teymouri & Beigi, 2022; Yousefi, 2014). The principal objective of the present research was therefore to identify the independent predictors of offending during temporary release and to determine whether such offending is more strongly associated with individual and criminal history variables or with economic, familial, and organizational conditions.

The theoretical framework of the study draws on etiological criminology, rehabilitation-oriented penology, and major sociological theories of criminal behavior. Etiological criminology regards crime as a multifactorial phenomenon produced by the interaction of biological, psychological, social, economic, cultural, and institutional influences, and rejects explanations that reduce criminal conduct to free will alone (Najafi Abrandabadi & Hashem Beigi, 2011; Shiri, 2023). From the perspective of differential association theory, prisoners returning temporarily to their

previous neighborhoods and peer groups may renew contact with criminal networks and relearn definitions favorable to offending. Social learning theory similarly explains criminal conduct through observation, reinforcement, and continued interaction with deviant subcultures (Jahanbakhsh & Torki Harchagani, 2016; Norouzi, 2019). Strain theory suggests that blocked access to legitimate opportunities, unemployment, financial hardship, and the discrepancy between socially valued goals and available lawful means may generate pressures that encourage repeated offending (Adabi, 2020; Hajidehabadi, 2022). Labeling theory emphasizes that social rejection and stigmatization can restrict lawful employment, weaken social identity, and lead former offenders toward secondary deviance (Abbasi & Nemati, 2015). Social disorganization theory likewise highlights the effects of poverty, weak neighborhood cohesion, deficient informal control, and the absence of community-based support mechanisms (Mousavi, 2018). Routine activity theory is also relevant because temporary release may temporarily reduce formal guardianship while placing a motivated offender in proximity to suitable targets, especially when electronic monitoring or other supervisory measures are absent (Cheliotis, 2008; Ghasemi & Hedayati, 2022). Rehabilitation-oriented criminology, however, cautions against interpreting isolated instances of offending as grounds for restricting temporary release in general, because gradual and supervised release may strengthen family and occupational ties and reduce long-term recidivism (LeClair & Guarino-Ghezzi, 1991; Petersilia, 2003). Accordingly, the study conceptualized offending during temporary release as a criminological form of repeated offending shaped by the interaction of personal vulnerability, criminal history, social

pressures, institutional experiences, and the availability or absence of protective resources. The research employed a quantitative, applied, analytical case-control design. The study population consisted of prisoners in Guilan Province who had been granted temporary release between 2016 and 2021. A total of 352 prisoners were included and divided equally into two groups. The case group comprised 176 prisoners who committed an offense during temporary release, whereas the control group consisted of 176 prisoners who returned to prison without committing a new offense. The dependent variable was offending during temporary release, coded as one for the case group and zero for the control group. The independent variables included age, years of education, marital status, prior criminal record, history of substance addiction, sentence length, number of previous temporary releases, economic pressure, family problems, association with offenders, tensions in the prison environment, and the conduct of criminal justice personnel. Individual and criminal variables were extracted from judicial and prison records, while economic, familial, and organizational variables were measured using a researcher-developed questionnaire. The economic pressure, family problems, association with offenders, and prison-environment tension scales each contained four items with theoretical scores ranging from 4 to 20. The scale assessing the conduct of criminal justice personnel contained four three-point items with scores ranging from 4 to 12. Instrument validity was evaluated through expert review, and internal consistency was examined using Cronbach's alpha. Reliability coefficients ranged from 0.839 to 0.888, indicating satisfactory internal consistency. Before statistical analysis, the dataset was examined for missing values, out-of-range scores, data-entry errors, logical inconsistencies, and outliers. No missing data were detected, and all variables

were consistent with the intended scoring procedures. Continuous variables were summarized by means and standard deviations, while categorical variables were described using frequencies and percentages. Distributional characteristics were assessed through skewness and kurtosis. Welch's independent-samples *t* test was used to compare group means, and chi-square tests were applied to categorical variables. All predictors were then entered simultaneously into a multivariable logistic regression model. Logistic regression is an established method for modeling binary outcomes and estimating the independent contribution of multiple predictors (Khorsand et al., 2019). Multicollinearity was assessed using variance inflation factors, and model performance was evaluated using the Hosmer–Lemeshow test, Nagelkerke's pseudo- R^2 , the area under the receiver operating characteristic curve, sensitivity, specificity, and classification accuracy (Asadzadeh et al., 2018).

The descriptive and bivariate findings revealed meaningful differences between the two groups. The largest age category was 30–39 years, representing 42.6% of the sample, and the most common educational level was a high-school diploma, accounting for 47.2%. The mean age was 35.25 years in the case group and 35.57 years in the control group, and the difference was not statistically significant. In contrast, the case group had fewer years of education and fewer previous temporary releases but longer sentences and higher mean scores for economic pressure, family problems, association with offenders, prison-environment tensions, and negative experiences with criminal justice personnel. Welch's *t* tests indicated statistically significant differences between the groups in years of education, sentence length, number of temporary releases, economic pressure, family problems, association with offenders, prison-environment tension, and criminal justice

conduct, whereas age was not significant. Chi-square analysis also demonstrated significant associations between offending during temporary release and both prior criminal record and history of substance addiction, while marital status was not significantly related to the outcome. Among the 176 prisoners in the case group, drug-related offenses constituted the largest category, accounting for approximately 64.2% of offenses, followed by theft, violent offenses, other offenses, and financial crimes. These findings are consistent with research identifying substance misuse, prior offending, unstable social environments, economic hardship, and weakened rehabilitative support as major correlates of recidivism (Ebrahimi et al., 2014; Sabri, 2023; M. Zare, 2020). They also support the view that repeated offending is not attributable to a single cause but emerges from the overlap of personal vulnerabilities and structural pressures (Abbaci, 2022b; Nazifi, 2022). Nevertheless, bivariate associations cannot establish that each variable independently predicts offending, because several risk factors may overlap. For example, economic hardship, family disruption, association with offenders, and negative prison experiences may be concentrated among prisoners with substance addiction or extensive criminal histories. The multivariable model was therefore essential for distinguishing independent predictors from factors whose apparent effects could be explained by their relationships with other variables.

The multivariable logistic regression analysis showed that four variables independently predicted offending during temporary release. A history of substance addiction was the strongest risk factor, increasing the odds of offending by approximately 3.65 times (OR = 3.654, 95% CI [2.200, 6.068], $p < .001$). A prior criminal record also substantially increased the odds of offending (OR = 3.168,

95% CI [1.905, 5.267], $p < .001$). These findings indicate that entrenched criminal involvement and substance-related vulnerability remain highly influential even after economic, familial, and organizational factors are controlled. They are consistent with criminological research that identifies prior offending and substance misuse as among the most stable predictors of recidivism and return to prison (Abbaci, 2022a; Gholami, 2011; Sabri, 2023). Education operated as a protective factor: each additional year of education reduced the odds of offending by approximately 8.9% (OR = 0.911, $p = .022$). This effect may reflect improved problem-solving abilities, greater access to lawful opportunities, increased social competence, and reduced dependence on criminal networks. The number of previous successful temporary releases was also inversely associated with offending, with each additional release reducing the odds by approximately 15.9% (OR = 0.841, $p = .018$). This association may indicate that prisoners who repeatedly return without incident develop stronger patterns of compliance, or that lower-risk individuals are progressively selected for additional release opportunities. Consequently, the result should not be interpreted as definitive proof that temporary release itself directly reduces offending, because selection bias may partly explain the association. After simultaneous adjustment, age, marital status, sentence length, economic pressure, family problems, association with offenders, prison-environment tension, and the conduct of criminal justice personnel were no longer statistically significant. Their nonsignificance does not imply that they are irrelevant; rather, it indicates that their independent effects were not established after accounting for stronger predictors. The final model demonstrated acceptable fit, with a nonsignificant Hosmer–Lemeshow test ($p = .702$), Nagelkerke's pseudo- R^2 of 0.382, an

AUC of 0.820, sensitivity of 72.7%, specificity of 75.6%, and overall classification accuracy of 74.1%. These indices suggest useful discriminatory capacity for preliminary risk assessment, while also demonstrating that the model is not sufficiently accurate to serve as the sole basis for individual decisions.

In conclusion, offending during prisoner temporary release is best understood through a multidimensional risk-assessment framework rather than through reliance on a single social, economic, or institutional indicator. The most influential predictors in this study were a history of substance addiction and a prior criminal record, whereas higher educational attainment and a greater number of previous successful temporary releases were associated with reduced risk. These findings support the systematic screening and continuous treatment of substance-use disorders before and during temporary release, the careful assessment of criminal history, and the expansion of educational, vocational, and problem-solving programs within prisons. Temporary release should be implemented progressively and purposefully, with supervision levels tailored to each prisoner's risk profile and with effective post-release support, family coordination, employment assistance, and, where necessary, electronic monitoring. The model's satisfactory discriminatory performance indicates that combined individual and criminal-history information can assist preliminary screening; however, its classification accuracy is insufficient for automatic or exclusively actuarial decision-making. Risk estimates should therefore be combined with professional judgment, updated case information, respect for prisoners' legal rights, and periodic reassessment. The study is limited by its concentration on one province, its observational case-control design, and the possibility of residual confounding from

variables that were not measured. Future studies should employ longitudinal and multicenter designs, distinguish between technical violations and new criminal offenses, assess the quality and intensity of supervision, and examine how treatment participation, employment, family support, neighborhood conditions, and electronic monitoring influence outcomes. Overall, a balanced policy that integrates public protection with rehabilitation, gradual reintegration, and evidence-based supervision is more likely to reduce offending during temporary release than either unrestricted release or excessively punitive restriction.

References

- Abbaci, M. (2022a). Recidivism and Its Indicators in Advanced Criminal Statistics Systems. *Studies in Criminal Law and Criminology*, 52(1), 69-98.
- Abbaci, M. (2022b). *A Review of Global Indicators of Prisoner Recidivism*.
- Abbasi, H., & Nemati, F. (2015). Social Labeling and Recidivism. *Iranian Journal of Political Sociology*, 16(1), 84-98.
- Adabi, H. (2020). *Criminal Sociology* (4th ed.). Majd Scientific and Cultural Center.
- Arefi, M. (2019). Criminalization of Poverty in Neoliberal Criminal Policy. *Social Policy Quarterly*, 5(4), 75-90.
- Asadzadeh, S., Rahmani Seryasat, O., & Moshrefzadeh, S. (2018). Intelligent Transportation in the Prevention of Accidents. *Transactions on Machine Intelligence*, 1(1), 49-56. <https://doi.org/10.47176/TMI.2018.49>
- Cheliotis, L. K. (2008). A Review of the Temporary Release of Prisoners: Halfway House or Blind Alley? *British Journal of Criminology*, 48(4), 445-464.
- Ebrahimi, J., Azimi, L., & Azizi, H. (2014). Social Factors Affecting Criminal Behavior Among Male Prisoners in Ardabil Prison. *Iranian Social Science Studies*, 12(44), 66-81.
- Ghasemi, E., & Hedayati, S. (2022). The Effect of Electronic Monitoring Anklets on Prisoner Behavior During Furlough. *Journal of Applied Criminology Studies*, 19(1), 25-40.
- Gholami, H. (2011). *Recidivism* (3rd ed.). Mizan Publications.
- Gholami, H. (2023). *Penology* (5th ed.). Mizan Publications.
- Hajidehabadi, M. (2022). *Criminal Sociology* (3rd ed.). Al-Mustafa Translation and Publication Center.
- Hajizadeh, M. (2015). Factors Affecting Social Deviance. *Journal Of Social Sciences*, 21(3), 21-35.
- Jahanbakhsh, E., & Torki Harchagani, M. (2016). Socioeconomic Factors Affecting Women's Crime in Shahrekord. *Social Research*, 31(3), 119-144.
- Khakbaz, M., Rezaei, F., & Soleimani, R. (2017). The Role of Support Institutions in Reducing Prisoners' Crime During Furlough. *Iranian Journal of Social Sciences*, 13(4), 45-68.
- Khorsand, R., Rafiei, M., & Keyvanfar, V. (2019). Quantitative Data Analysis of TripAdvisor Reviews for Hotels in Tehran. *Transactions on Data Analysis in Social Science*, 1(4), 171-185. <https://doi.org/10.47176/TDASS.2019.171>
- LeClair, D. P., & Guarino-Ghezzi, S. (1991). Does Correctional Furlough Work? *Criminology*, 29(2), 279-302.
- Levin, M. (2012). In and Out of Prison: Recidivism Patterns in Parole Release. *Criminal Justice Policy Review*, 23(1), 33-45.
- Malek-Mohammadi, R. (1998). *The Political Economy of Social Justice*. Center for Strategic Research.
- Mousavi, A. (2018). Social Disorder and Factors Affecting Crime. *Journal of Social Research*, 11(4), 99-112.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2013). From Critical Criminology to Security Criminology: Final Course Notes in Criminology.
- Najafi Abrandabadi, A. H., & Hashem Beigi, H. (2011). *Encyclopedia of Criminology* (Vol. 3). Mizan Publications.
- Nazifi, A. (2022). *Criminology: A Dynamic and Strategic Science for Justice* (3rd ed., Vol. 1). Dadgostar Publications.
- Norouzi, A. (2019). Social Learning and Recidivism: A Case Study of Prisons in Mazandaran. *Criminological Studies*, 14(3), 40-57.
- Petersilia, J. (2003). *When Prisoners Come Home: Parole and Prisoner Reentry*. Oxford University Press.
- Rafipour, F. (2001). *Anomie or Social Disorder*. Enteshar Joint Stock Company.
- Sabri, A. (2023). Factors Affecting Return to Prison in Iran. *Criminological Research*, 18(1), 42-55.
- Sedigh Sarvestani, H. (1997). *Sociology of Social Deviance*. Ney Publishing.
- Shiri, A. (2023). *Encyclopedia of Prisoner Criminology* (2nd ed.). Mizan Publications.
- Taheri, M. (2013). The Decline of the Welfare State and the Rise of Neoliberalism. *Political Economy Studies*, 9(2), 60-72.
- Teymouri, S. J., & Beigi, A. (2022). Evaluation of Prisoner Furlough Policy and Its Challenges. *Criminal Policy Research*, 7(3), 1-12.
- Van Zyl Smit, D., & Snacken, S. (2008). *Principles of European Prison Law and Policy: Penology and Human Rights*. Oxford University Press.

- Yousefi, A. (2014). A Critical Review of Judicial Decisions Rejecting Prisoner Furlough. *Judicial Decision Studies Quarterly*, 3(6), 49-56.
- Zare, H. (2020). Economic Factors Affecting Recidivism. *Iranian Sociology*, 20(4), 20-35.
- Zare, M. (2020). Prison Cultural Programs and Their Effect on Preventing Recidivism. *Journal of Criminal Policy*, 23(1), 70-83.